

خانواده و فرایند تأمین نیازهای عاطفی از دیدگاه اسلام

محمدعارف محبی^۱

چکیده

خانواده، اصلی‌ترین نهاد است که نیازهای عاطفی افراد را تأمین می‌نماید. تحولات ساختاری و فرهنگی در جوامع جدید، بخصوص در افغانستان، کارکرد عاطفی خانواده را با مشکل مواجه نموده است. پرسش اساسی این است که چگونه می‌توان محبت و مهربانی را در کانون خانواده حفظ کرد و در مورد نیاز آن را ارتقا بخشید؟ در این پژوهش سعی گردید که با روش تفسیر تحلیلی، راهکارها و چگونگی تأمین نیازهای عاطفی بر اساس مستندات دینی تحلیل و تعریف گردد. ارتباط و پیوند عاطفی از منظر اسلام، شامل ابعاد سه‌گانه قلبی، گفتاری و رفتاری گردیده و شاخص‌های تأمین نیازهای عاطفی در همین ابعاد قابل تعریف می‌باشد. شادی، دلتنگی، اعتماد، همدردی، گفتگو، قدردانی، عدالت عاطفی، خوش‌رویی، هدیه دادن، همنشینی، استقبال، بدرقه، آراستگی، پاکیزگی، انحصار آرایش زن برای همسر، تأمین نیازجنسی، صبوری، گذشت، عذرخواهی و... از جمله شاخص‌های است که از منابع دینی استخراج شده و بر همین مبنا میزان رضایت مندی عاطفی افراد در قالب خانواده‌های موجود سنجش پذیر گردیده است.

کلیدواژه‌ها: خانواده، نیاز عاطفی، شاخص‌های عاطفی، پیوند قلبی، خوش‌گفتاری، خوش‌رویی، خوش رفتاری.

^۱. دانش آموخته سطح چهار و پژوهشگر

مقدمه

خانواده کانونی‌ترین نهاد عاطفی در ساختار جامعه است و بر بنیاد رحمت و مودت استوار می‌باشد. مودتی نهاده شده در طبیعت زن و مرد، با بلوغ جنسی دختر و پسر شکوفا می‌گردد. وقتی مرد روحیات مردانه را در خود یافت، به دنبال زنی می‌رود تا محبت و صمیمیت را در او جست‌وجو کند. (جان کری، ۱۳۸۹، ص ۱۴) نیاز به دلبستگی به دیگران و پذیرفته شدن از سوی آنان برای سلامتی روانی انسان‌ها مانند رفع گرسنگی و تشنگی برای سلامتی جسمانی آن‌ها است. رفتار انسان‌ها ریشه در نظام عاطفی آن‌ها دارد، طرد انسان از سوی دیگران در انسان ایجاد غم و اندوه می‌نماید. (رابرت بارون، ۱۳۸۸، ص ۳۸۸) در چاقوب خانواده است که تداوم نسل و نیاز به داشتن فرزند تأمین می‌گردد، (طبرسی، ۱۳۷۴، ص ۲۵۸).

شاکله شخصیتی انسان ساخت یافته و استحکام می‌یابد. در دنیای معاصر که نهاد خانواده بیش از هر زمان دیگر آسیب دیده و خانه‌ها به سرعت تبدیل به خابگاه می‌شود. ضروریست که با نگاه آسیب شناسانه، راهکارهای برای تقویت مناسبات عاطفی در خانواده‌ها پالیده شود. خانواده دارای هویت فرهنگی است، آسیب دیدگی و چگونگی ترمیم آن، بدون ارجاع به نظام فرهنگی موجود در جامعه قابل فهم و تبیین نمی‌باشد. فرهنگ؛ حاوی ارزش‌ها، قواعد و هنجارهای رفتاری است. فراوانی و تشدید خشونت‌های خانوادگی در افغانستان حاکی از آسیب دیدگی نظام فرهنگی در کشور می‌باشد.

نظام فرهنگی در افغانستان معاصر، دارای اضلاع سه‌گانه: «قبیله»، «مدرنیته» و «اسلام» می‌باشد. فرهنگ قبیله، استبدادی و مردسالار است. در نظام مردسالار؛ زنان نه تنها حق مالکیت بر مال را ندارند که از حق مالکیت بر سرنوشت خویش نیز محروم می‌باشند. ازدواج فراتر از اراده افراد، پدیده گروهی بوده و در مدار منافع کلان خانواده و عشیره تفسیر می‌شود. خانواده قبیله‌ای به دلیل ساختار گسترده که دارد از کمترین مناسبات عاطفی برخوردار بوده و زوجین اگر ناسازگار هم‌باشند اراده و توان جدایی از همدیگر را ندارند. فرهنگ مدرن بر بنیاد اصل فردگرایی و کامجویی، استوار می‌باشد. هرچند برخی معتقدند که هسته بودن خانواده مدرن باعث تقویت مناسبات عاطفی در این نهاد می‌گردد اما رونق کامجویی‌های عاطفی در محیط‌های غیرخانوادگی، خانواده‌های جدید را نیز با کمبود محبت مواجه ساخته، ازدواج را در سطح قراردادهای اجتماعی و تولید فرزند را در حد بازیچه زندگی معنا بخشیده است. خانواده در اسلام بر مبنای اصل محبت و رحمت یعنی «عواطف ناب» ساخت می‌یابد، (روم، ۲۱) ازدواج امر مقدس تلقی گردیده، آرامش و پرورش فرزند صالح، مهم‌ترین فلسفه تشکیل خانواده محسوب می‌شود.

هویت خانواده افغانستانی در چوکات فرهنگ قبیله ساخت یافته است. با ورود فرهنگ اسلام تعارض میان فرهنگ قبیله با فرهنگ عقیده شکل گرفت، با ورود فرهنگ مدرن، تعارض سه ضلعی شد و محوریت قبیله تا حدودی شکست. بر مبنای منطق شکسته قبیله؛ باورهای مغشوش و مبهم از مدرنیته و اسلام صورت گرفته و نهاد خانواده گرفتار بی‌بنیادی گردید، لذاست که خانواده معاصر افغانستانی نه در قالب استبداد

قبیله مستحکم است و نه در چوکات خانواده‌های اسلامی و مدرن تعریف می‌شود، نهاد است «از این جا رانده و از آن جا مانده». در چنین برزخی است که بدرفتاری‌های بی‌قاعده و بدقاعده، سنگین‌ترین فشارهای روانی را بر خانواده‌ها تحمیل می‌کند، به این معنا که با تشدید نارضایتی و خشونت‌های خانوادگی، پدیده‌های از قبیل طلاق‌های رسمی و عاطفی، بچه‌های طلاق، کابوس پیری، والدین‌آزاری، فرزندآزاری، همسر آزاری، خودکشی، فرار و بی‌خانمانی، خیانت و بی‌آبرویی، بی‌اعتمادی و ناسازگاری و ... در جامعه گسترش یافته و انسان افغانستانی را در کام کشنده بی‌آبرویی و بربادی داشته‌های خانوادگی، گرفتار می‌سازد. در این پژوهش سعی می‌گردد، فرایند تصحیح، ترمیم، تحکیم و تعالی مناسبات عاطفی در نهاد خانواده، از منظر اسلام منطق سازی گردیده و نشان داده شود که چگونه می‌توان با التزام به هنجارهای اسلامی، الزامات و تأثیرات منفی فرهنگ مدرن و قبیله را نیز مدیریت نمود.

۱. چیستی عاطفه

دانش تجربی به رغم محدودیت‌های جدیی که در تبیین تحولات روحی انسان‌ها دارد، به این واقعیت اذعان می‌نماید که در میان فاکتورهای عینی، خانواده کانونی‌ترین نهاد اجتماعی است که نیازهای عاطفی آدمی را تأمین می‌کند. در نگرش وحیانی اسلام، دلبستگی اعضای خانواده بخصوص زن و شوهر بر بنیاد عمیق‌ترین لایه‌های وجودی انسان تبیین و تحلیل می‌گردد. زن و مرد به تنهایی ناقص می‌باشند و بر مبنای نقص وجودی که دارند به سوی همدیگر تمایل می‌یابند و این همان شهوت و میل درونی است که در آن‌ها به ودیعت نهاده شده و از همین خاستگاه است که ازدواج صورت گرفته و خانواده شکل می‌گیرد. از آنجایی که بقا و دوام خانواده فراتر از کشیش‌های غریزی، احتیاج به نیروی پایداری دارد خداوند میان زوجین علقه عاطفی مودت و رحمت را ایجاد می‌نماید (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱۶، ص ۲۵۰-۲۴۹). «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً»، (روم، ۲۱) مودت و رحمت در حقیقت ملاط و چسب مصالح ساختمانی جامعه انسانی است «مودت» غالباً جنبه متقابل دارد، اما «رحمت» یک جانبه و ایثارگرانه است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱۶، ص ۳۹۱). تبیین و تحلیل چیستی عاطفه، متوقف بر درک درست از خاستگاه وجودشناختی، معنای لغوی و اصطلاحی آن می‌باشد که به اجمال اشاره می‌گردد.

۱-۱. خاستگاه عاطفه

قلب سرچشمه و خاستگاه اصلی عواطف انسانی است، آرامش و آسایش در خانواده بر بنیاد قلب‌های مهربان استوار می‌باشد. اعضای خانواده به‌خصوص پدر و مادر به‌عنوان ارکان اصلی نظام خانواده قبل از هرچیز وظیفه دارند که از نعمت مودت و پیوند عاطفی که خداوند به آن‌ها ارزانی داشته است پاسداری نموده و اجازه ندهند که خانه قلب‌شان تاریک و آلوده به کینه‌ها و بدبینی‌های ویرانگر گردد. خانواده‌ای آباد، بازتاب قلب‌های پاک

می‌باشد. رفتارهای ظاهری انعکاس باورهای قلبی است. به این معنا که حسن رفتار و سوء رفتار انسان‌ها ناشی از زشتی و زیبایی باطن آن‌ها می‌باشد.

امام علی (ع) می‌فرماید: قلب کانون تمایلات عاطفی است، مجموعه‌ای از خواهش‌های حکیمانه و ضد آن، در آن جمع می‌باشد، اگر امیدوار شود تمنای طمع خوارش می‌سازد، اگر میل به آز و طمع در آن بجنبد، خواهش حرص تباهش می‌نماید، اگر نا امید گردد اندوه و غم او را می‌کشد، اگر حالت غضب بر وی دست دهد به شدت خشمگین می‌گردد، اگر خشنود شود خودداری‌های لازم را فراموش می‌کند، اگر دچار خوف و هراس شود در جست‌وجوی راه نجات، حیرت زده و مبهوت می‌گردد، اگر در امنیت و گشایش قرار گیرد غفلت و نادانی آن را از کفش می‌رباید، اگر به مصیبتی دچار شود بی‌تابی رسوایش می‌کند، اگر مالی به دست آورد توانگری به طغیانش وامیدارد، اگر فقر و تهیدستی آزارش دهد گرفتار بلا می‌شود، اگر گرسنگی بر او فشار آورد ناتوانی، زمین‌گیرش می‌کند، اگر در خوردن زیاده‌روی کند فشار شکم ناراحتش می‌سازد، پس هر کوتاهی و کندروی در تمایلات، برای بشر زیان‌آور است و هر افراط و تندروری نیز مایه فساد و تباهی است. (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۶۷-۶۶؛ فلسفی، ۱۳۶۸ ج ۱، ص ۲۰۶).

بر این اساس تمایلات عاطفی از یک سوی ریشه در نفس و جان انسان دارد و از سوی دیگر نوع ابراز تمایل و پاسخی که افراد به نیازهای عاطفی خویش می‌دهند چگونگی سیرت و باطن خود را نیز می‌سازند. از چنین خاستگاه است که مناسبات عاطفی، نقش بی‌بدیل در فرایند تکاملی انسان‌ها ایفا نموده و نهاد عاطفی خانواده اهمیت بنیادین می‌یابد.

۲-۱. عاطفه در لغت

عاطفه در منابع لغت فارسی به معنای شفقت، مهر، علاقه، خویشی و قرابت معنا گردیده است. (عمید، ۱۳۸۴، ص ۱۳۸۴-۱۴۱۹، دهخدا، ذیل واژه عاطفه.) در زبان عربی از ماده عطف گرفته شده: عطف به چیزی گفته می‌شود که یکطرف آن به طرف دیگرش تا خورده و خم شود مثل خم شدن و تا کردن زیرانداز و بالش و دولا کردن طناب و ریسمان. اگر با حرف علی متعدی شود به معنی شفقت، رغبت و تمایل است: عَطَفَ علیه: به او توجه کرد. ظَبِیَّةٌ عاطفَةٌ علی ولدها: ماده آهویی که به نوزادش توجه می‌کند. اگر واژه عطف با عن متعدی شود به معنای ضد تمایل و عطوفت می‌آید مثل عَطَفْتُ عن فلان: از او دوری گزیدم و بی توجهی نمودم (خسروی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۶۱۶-۶۱۵).

لسان العرب عاطفه را به معنای محبت و نیکویی، رحم و خویشاوند، توجه به خویشاوند، رقت قلب و حسن خلق معنا نموده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۲۵۱) واژه‌ای که در مجموعه این معانی نیازمند توضیح می‌باشد کلمه رحم است. رحم در اصل به معنای بچه‌دان زن است و به‌طور استعاره در باره خویشاوندی و نزدیکی کسانی که قرابت نسبی دارند و از یک رحم هستند نیز بکار رفته است. رَحْمَتٌ به معنای نرمی و نرمخویی است که نیکی کردن به طرف مقابل از مقتضیات آن می‌باشد (خسروی، ۱۳۷۵، ص ۵۸) از نسبت

سنجی معانی فوق دانسته می‌شود که معنای اصلی عاطفه: تمایل و علاقه‌مندی است. موارد دیگر از لوزم و مصادیق آن به شمار می‌آید.

۳-۱. عاطفه در اصطلاح

عاطفه از مفاهیم روان شناسی، به معنای احساسات و هیجانات روحی می‌باشد. (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۲۳۹) هیجان‌ها و احساسات دارای انواع مختلف است که در یک تقسیم بندی کلی می‌توان آن‌ها را به دو دسته مثبت و منفی تقسیم نمود. عواطف مثبت عبارت است از: علاقه، شادی، غرور، شایستگی، مهربانی، رضایت و پذیرش. مراد از عواطف منفی: ترس، خشم، نفرت، سرخوردگی، اضطراب، حقارت، تنهایی و حسادت می‌باشد (نجمی، ۱۳۸۲، ص ۳۹؛ ریو، ۱۳۸۵، ص ۳۳۰-۳۳۴).

عواطف مثبت بیانگر مشغولیت لذت بخش است، وقتی عاطفه مثبت بالا باشد افراد، علاقه‌مند، پرانرژی، هشیار و خوشبین می‌باشند. برخلاف عاطفه منفی که بیانگر مشغولیت نا خوشایند است. هرگاه عاطفه منفی افراد بالا باشد معمولاً احساس ناخوشنودی، عصبی و تحریک پذیری می‌نمایند. (ریو، همان، ص ۳۴۱) عواطف مثبت احساس یگانگی، عشق و یکی بودن با دیگران را افزایش می‌دهد؛ اما عواطف منفی باعث دوری کردن از دیگران می‌شود (نجمی، همان، ص ۱۱۹). عواطف مثبت از طریق گشاده رویی، لبخند، سلام کردن، هدیه دادن، اعلام دوستی، دست دادن، در آغوش کشیدن (آذر بایجانی و دیگران، همان، ص ۲۴۴-۲۴۵) و امثال آن بروز می‌یابد.

دانش جامعه شناسی، عواطف انسانی را در بافت و چگونگی تعاملات اجتماعی مورد مطالعه قرار داده و در پی تبیین فاکتورها و عوامل اجتماعی مؤثر بر تحولات عاطفی انسان‌ها می‌باشد. از این منظر عواطف افراد نه تنها ریشه در متن واقعیت‌های اجتماعی دارد که اساساً در چارچوب مناسبات اجتماعی است که تعادل و عدم تعادل عاطفی انسان‌ها قابل درک می‌گردد. مطالعه عواطف از بعد اجتماعی به معنای فهم نیازمندی‌های عاطفی افراد به دیگران می‌باشد؛ یعنی سعی می‌گردد که نیاز عاطفی در چارچوب «عمل اجتماعی» تحلیل گردیده، نقش عوامل و گروه‌های اجتماعی در چگونگی شکل‌گیری عواطف انسانی نشان داده شود. با توجه به این واقعیت که تحلیل نقش خانواده در تأمین نیازهای عاطفی افراد، معطوف به فهم جامعه شناختی نیاز عاطفی می‌باشد. مراد از نیاز عاطفی در این پژوهش، نیاز است که شاخص‌های اصلی آن عبارت‌اند از: نیاز به احترام، نیاز به توجه، نیاز به محبت و نیاز به مدارا (بستان، ۱۳۸۸، ص ۳۲)؛ یعنی مجموع نیازهای عاطفی افراد را می‌توان اجمالاً در چارچوب همین شاخص‌ها تحلیل نمود. براین اساس سعی خواهد شد تا بر مبنای تعریف فوق و بهره‌گیری از برخی داده‌های علم روان شناسی، چگونگی تأمین نیازهای عاطفی در خانواده‌های افغانستانی از منظر اسلام بررسی گردیده، ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های هر کدام توضیح داده شود.

^۲. مراد از عمل اجتماعی، عمل است که با توجه به شخص یا گروهی دیگر شکل می‌گیرد و دیگری در انجام دادن آن و نحوه آن دخالت دارد. (اورعی،

۲. چگونگی تأمین نیازهای عاطفی در خانواده

الگوی ازدواج، ساختار و مناسبات خانوادگی در افغانستان تغییرات جدی نموده و روابط عاطفی خانواده‌ها آسیب دیده است. در الگوی خانواده قبیله‌ای روابط عاطفی کمتر در خانواده‌ها تعقیب می‌شد، در چوکات فرهنگ جدید مناسبات عاطفی عمدتاً در بیرون از محیط خانواده دنبال می‌گردد. در خانواده نه سنتی و نه مدرن افغانستانی، منطق روابط عاطفی مختل گردیده است و افراد به جایی این‌که مناسبات خانوادگی خود را در چوکات عواطف متقابل تنظیم نمایند عمدتاً طلبکار عواطفی یک‌جانبه می‌باشند به این صورت که مردها از خاستگاه مردسالاری خواهان انقیاد اعضای خانواده از خود هستند، زنان و فرزندان از یک سوی با منطق فردگرایانه تن به اطاعت نمی‌دهند و از سوی دیگر با استناد به فرهنگ سنتی، تأمین نیازمندی‌های خود را از سوی همسر و پدر مطالبه می‌نمایند.

در قالب چنین نظام به‌هم‌ریخته فرهنگی است که مناسبات خانوادگی از چوکات عقلانیت و تدبیر خارج شده و عواطف عمدتاً منفی در محیط خانواده‌ها پدید می‌آید. همه از همدیگر طلبکار بوده و هیچ‌کس از یکدیگر راضی نمی‌باشند. نکته اساسی این‌که؛ چگونه می‌توان صفا و پاکی، محبت و مهربانی را در کانون خانواده‌ها حفظ نمود و در موارد نیاز آن را ارتقا بخشید؟ اسلام برای تحقق این هدف و با توجه به ابعاد و سطوح تعاملات عاطفی، به «پیوند قلبی»، «خوش‌گفتاری» و «خوش‌رفتاری» تاکید می‌نماید. شیوه‌های که به رغم استقلال ظاهری، راهکار واحد چند سطحی به حساب می‌آیند.

۱-۲. پیوند قلبی

پیوند قلبی ناظر به این واقعیت انسان شناختی است که انسان‌ها فراتر از تعاملات عینی، دارای دل‌بستگی می‌باشند. همان‌گونه که گره خوردن دست‌ها و تلاقی چشم‌ها، عواطف انسان‌ها را انعکاس می‌بخشد، نفس تمایل قلبی نیز حامل پیام عاطفی بوده و به اصطلاح عامیانه: «دل به دل راه دارد». انسان‌ها با مراجعه به قلب خود به خوبی از محبت و عدم محبت دیگران نسبت به خود آگاه می‌گردند، چون قلب نه تنها خاستگاه عواطف مثبت و منفی است که اساساً بازتابنده تمایلات موجود در دیگر قلب‌ها نیز می‌باشد، به این صورت که «عشق یک طرفه بی‌معنا» بوده، محبت و تنفر انسان نسبت به کسی حاکی از این است که او نیز چنین احساسی نسبت به انسان دارد. بر این اساس؛ انسان‌ها با مراجعه به عواطف قلبی خود به خوبی متوجه می‌شوند که قضاوت عاطفی دیگران در باره او چگونه است. باور و برداشتی که از این طریق برای افراد به وجود می‌آید نقش بی‌بدیل در تأمین و عدم تأمین نیازهای عاطفی آن‌ها ایفا می‌نماید؛ زیرا؛ عواطف چیزی نیست جز یکسری احساسات مثبت و یا منفی؛ باورهای عاطفی قلبی، نفس همین احساسات است. انسان‌ها بر مبنای نوع احساسات قلبی که دارند، راجع به خود قضاوت نموده و رفتارهای عاطفی خود با دیگران را نظم می‌بخشند. از چنین خاستگاه است که صداقت عاطفی در مناسبات عاطفی انسان‌ها دارای جایگاه مبنایی می‌گردد.

صداقت عاطفی و صادقانه دوست داشتن، عنصر مهم در مناسبات عاطفی انسان‌ها محسوب گردیده و موجب تقویت دلبستگی‌های صادقانه می‌شود. تظاهر به محبت، دروغ رفتاری است که از جلب محبت واقعی و قلبی دیگران عاجز می‌باشد. صداقت عاطفی هرچند در تمام حوزه‌های زندگی، مؤثر می‌باشد، اما در حوزه خانواده سنگ بنای زندگی خانوادگی به حساب می‌آید. خانواده کانون عاطفی است که صرفاً بر بنیاد تعاملات عاطفی صادقانه، استوار گردیده و تنها در چارچوب ابراز عواطف مثبت و پرهیز از بروز عواطف منفی و مخرب دوام می‌آورد. بر اساس فرمایش معصومین (ع)؛ دلبستگی معیار سنجش صداقت در دوستی است و بدبینی نسبت به همدیگر، گویایی این واقعیت می‌باشد که یکی از دو طرف دچار بی‌وفایی در دوستی گردیده است. (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۱، ص ۱۸۱؛ طبرسی، ۱۳۷۴، ص ۹۷) مهم‌تر از همه این‌که هرگاه انسان کسی را دوست داشته باشد، نه تنها باید یقین نماید که آن کس نیز او را دوست دارد (طبرسی، همان، ص ۱۲۲، طبرسی، ۱۳۷۹، ص ۲۳۷) که حتی بر صداقت دوستش، می‌تواند سوگند بخورد. (طبرسی، ۱۳۷۴، ص ۳۷). بر همین مبنا انسان نباید از کسانی که نسبت به آن‌ها بدگمان می‌باشد، انتظار صمیمت و خیرخواهی را داشته باشد. (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۱؛ مسعودی، ۱۳۷۹، ص ۴۴) دلالت روشن این روایات، چیزی نیست جز ضرورت صداقت عاطفی و این‌که اعضای خانواده باید صادقانه همدیگر را دوست داشته باشند. دلبستگی صادقانه یکی از ویژگی‌های اساسی خانواده اسلامی است که به شکل برجسته در سیره خانوادگی بزرگان و پیشوایان دین نیز به خوبی قابل مشاهده می‌باشد.

خدیجه کبری (س) در وصف پیامبر اکرم (ص) می‌سراید: وقتی چشم در چشم تو نباشم! به سر بردن در نعمت‌های دوام دار! و داشتن ملک و دنیای شاهانه! بال مگسی برایم ارزش نخواهد داشت! (مجلسی، بی‌تا، ج ۸۱، ص ۳۹۰) امام علی (ع) فرمود: با نگاه به فاطمه حُزن و اندوه از من رخت بر می‌بندد. (کلینی، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۳۱ و ۳۲۰) از همین روی در رثای فاطمه اشعار منسوب به آن حضرت است که: دوری تو برای من سنگین‌ترین چیز برای من است و از دست دادن تو سخت‌ترین درد و داغ! با حسرت می‌گیرم و باحُزن نوحه سرایی می‌کنم بر محبوبی که در والاترین راه گام نهاد. ای چشم‌ها ببخشایید و بیارید! و مرا در اندوه دایمی‌ام یاری کنید تا برای یار خود اشک بریزم. (مجلسی، بی‌تا، ج ۴۳، ص ۱۷۹) در سوی دیگر، اظهارات فاطمه زهرا (س) نسبت به امام علی (ع) وجود دارد که: روحم فدای روح و جانم سپر بلاهای جانت! یا ابالحسن اگر تو در خیر و نیکی به سر بری با تو خواهم زیست و اگر در سختی و بلاها گرفتار شدی باز هم با تو خواهم بود. (دشتی، نهج الحیاء، حدیث ۷۵) وقتی حسن مثنی فرزند امام حسن مجتبی (ع) از دنیا رفت، همسرش فاطمه دختر امام حسین (ع)، بر سر قبرش در قبرستان بقیع خیمه برپا نمود و یکسال تمام به سوگواری پرداخت. روزها را روزه بود و شب‌ها را برای عبادت قیام می‌کرد! (نجفی، ۱۳۹۸، ج ۱۵، ص ۳۴۰) این نمونه‌ها و نمونه‌های فراوان دیگر حاکی از آن است که در الگویی خانواده اسلامی؛ اعضای خانواده همدیگر را قلباً دوست دارند یعنی از دیدن همدیگر شاد گردیده و از ندیدن یکدیگر دلتنگ می‌شوند. محبت قلبی هرچند مبتنی بر

این باور اعضای خانواده است که هر کدام خود را اعضای یک پیکر دانسته و در قبال همدیگر مسئول و مکلف بدانند اما در عین حال «خوش‌گفتاری» و «خوش‌رفتاری» فرایندهای هستند که در ایجاد و تقویت محبت و دلبستگی قلبی مؤثر می‌باشند.

۲-۲. خوش‌گفتاری

در جامعه معاصر افغانستان هرچند ازدواج‌های خود خواسته عموماً با عشق و علاقه شدید آغاز می‌گردد اما به مرور این شیدایی‌ها و دل دادگی‌های شاعرانه کم‌کم، کم‌رنگ گردیده بگو مگوها، قهر کردن‌ها و در نهایت توهین‌ها و... در فضای پاک خانواده وارد می‌شود، کاهش آستانه صبر زوجین، موجب می‌گردد که عقد زناشویی با بهانه یا بی‌بهانه فروپاشد. مشکلات عاطفی خانواده‌های امروز قبل از این که بر بنیاد تدبیر، مدیریت گردد عمده‌تاً در چوکات تمایلات عاطفی ساخت یافته و اداره می‌شود. به همین دلیل؛ رمز اصلی ازدواج‌های ناموفق را باید در ناکامی زوجین در دستیابی آن‌ها به شیوه‌های مؤثر دادوستد عاطفی جست‌وجو نمود. (شرفی، ۱۳۸۸، ص ۵۲) شیوه‌گفتاری عنصر مهم در مبادلات عاطفی محسوب می‌شود. مراد از این شیوه؛ ابراز عواطف و تمایلات، از طریق زبان قال (ارتباط کلامی) و زبان حال (ارتباط غیر کلامی) می‌باشد. انسان‌ها همان‌گونه که با گفتن کلمات با همدیگر ارتباط برقرار می‌نمایند، از طریق زبان حال نیز به تبادل عواطف خویش می‌پردازند. ارتباط کلامی هرچند اساسی‌ترین شیوه مفاهمه در جامعه بشری به حساب می‌آید؛ اما در حوزه تعاملات عاطفی، این مبادله نمادهای غیر کلامی است که نقش بی‌بدیل در مبادلات عاطفی ایفا می‌نماید. امام علی (ع) می‌فرماید: «لِسَانُ الْحَالِ أَصْدَقُ مِنْ لِسَانِ الْمَقَالِ»؛ (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۵۳) زبان حال راستگوتر از زبان قال است و «أَصْدَقُ الْمَقَالِ مَا نَطَقَ بِهِ لِسَانُ الْحَالِ»؛ (همان، ص ۲۱۷) گفته‌های زبان حال راست‌تر و دقیق‌تر می‌باشد. براین اساس؛ می‌توان خوش‌گفتاری را به دو دسته کلی «خوش‌حالی» و «خوش‌زبانی» تقسیم کرد و شاخص‌های هر کدام را به شکل جداگانه تعریف نمود.

۱. خوش‌حالی

یافته‌های علمی نشان می‌دهد که احساسات و تمایلات درونی انسان‌ها غالباً از طریق حالات چهره، تماس چشمی، تن صدا، حرکات بدنی و تماس بدنی ابراز می‌شود. (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۳۹) حالات مختلفی که در این امور پدید می‌آید حاکی از حالات متفاوتی است که در دستگاه تمایلات و در درون انسان‌ها اتفاق می‌افتد. افرادی که دارای باطن و شاکله شخصیتی با ثبات هستند دارای ظاهر باثبات نیز می‌باشند. انفعالات و حالات مشوش ظاهری، انعکاس دهنده خلق و خوی مضطرب و مغشوش باطنی است. از آن جایی که حالات چهره و چشم گویاترین زبان حال است و حرکات بدنی و تن صدا از فروعات ارتباط کلامی و رفتاری به حساب می‌آیند، در این جا سعی می‌گردد که ارتباط عاطفی از طریق نمادها و نشانه‌های زبان حال، در قالب

مفاهیم خوش خلقی و خوش رویی یعنی خوش حالی توضیح داده شده و نشان داده شود که این دو چه نسبتی با یکدیگر دارند و چه نقشی در تنظیم و تحکیم مناسبات عاطفی خانواده‌ها ایفا می‌کنند.

یک) نسبت خوش خلقی با خوش رویی

خُلُق، حالتی نسبتاً پایدار و ثابتی از احساسات و عواطف است. در مقابل آن هیجان قرار دارد که احساس زود گذر و لحظه می‌باشد. هیجان کم اتفاق می‌افتد و خُلُق، احساس روزمره و دایمی است. خلق به صورت حالت عاطفی مثبت یا منفی وجود دارد و انسان‌ها باتوجه به آن حالت است که بدخلق یا خوش خلق معرفی می‌گردند. (ریو، ۱۳۸۵، ص ۳۴۱) حسن خُلُق قبل از این که یک حالت ظاهری باشد یک صفت و ملکه نفسانی است که خوش رویی و بشاشیت انعکاس آن می‌باشد. امام علی (ع) می‌فرماید: شکفته رویی دلیلی بر کرامت ذات و فروتنی نشانه خوی بلند آدمی است. (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۲۶۹) حسن صورت بر بنیاد حسن سیرت شکل گرفته (همان، ص ۲۵۴) و معاشرت با افراد خوش خلق لذت بخش می‌باشد. (همان، ص ۲۶۵) حسن خلق سخن گفتن را نیکو ساخته (همان، ص ۲۶۵) و مناسبات عاطفی را در چارچوب ارزش‌های اخلاقی استحکام می‌بخشد. براین اساس؛ خوش خلقی حاکی از شخصیت اخلاقی انسان است و خوش رویی یکی از نشانه‌ها و نمادهای عینی آن محسوب می‌شود.

دو) خوش رویی و جلب محبت

خوش رویی حامل احساسات و عواطف باطنی انسان است. حالات و رنگ رخسار انسان فاش کننده سردرونی او می‌باشد. در قاب نگاه آدم‌ها است که می‌توان حالات درونی آن‌ها را به خوبی دید. آدم‌ها در بسیاری از مواقع احساسات درونی خود را پنهان نموده و به زبان نمی‌آورند و در شرایطی نیز احساسات غیر واقعی را به خود نسبت می‌دهند اما حالات چهره تنها دریچه‌ای است که عواطف ناب درونی انسان را همان گونه که هست نشان می‌دهد. انسان‌ها با دیدن عطوفت و محبت صادقانه است که همدیگر را دوست می‌دارند. امام علی (ع) می‌فرماید: بشاشیت سبب جلب محبت (همان، ج ۴، ص ۱۲۶) و دوستی می‌شود. (همان، ص ۲۸۸) گشاده روئی آغاز نیکوئی و حسن ارتباط است. (همان، ج ۱، ص ۷۹) با خوش رویی است که دوستان انیس همدیگر گردیده (همان، ص ۱۹۱) و پیوندهای دوستانه مستحکم و پایدار می‌گردد. بنا براین لازم است که افراد با خوش رویی با یکدیگر تعامل نموده و سعی نمایند که با گرفتگی حالت و ترش رویی، فضای عاطفی ارتباطات را مکدر نسازند.

سه) ضرورت خوش رویی در خانواده

خوش رویی و بشاشیت دارای نقش بنیادین و ضرورت حیاتی در مناسبات عاطفی خانواده می‌باشد. در آموزه‌های اسلامی؛ خوی نیکو موجب تقرب و بلندی مرتبه در پیشگاه خداوند دانسته شده (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۴، ص ۶۹) و از ترش رویی زن و شوهر به همدیگر منع گردیده است. (حلی، ۱۴۰۷، ص ۹۱) نگاه‌های محبت آمیز در فضای خانواده، نه تنها حیاتی دانسته می‌شود که دارای اجر و پاداش معنوی معرفی می‌گردد. (پاینده،

۱۳۸۲، ص ۲۷۸) در مورد زنان سفارش گردیده که با محبت و عقیف باشند، نسبت به شوهر متواضع و فروتن، مزاحگر و خوش روی، مطیع و فرمانبردار بوده و در خلوت، خود را برای او آرایش کنند و چون مردان ترک زینت ننمایند. (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۸۹؛ رضی الدین، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۳۸۱) به مردان توصیه می‌گردد که باید برای جلب محبت همسر خود، خوش اخلاقی نمایند. (حرانی، تحف العقول، ۱۴۰۴، ص ۳۲۳) بر مبنای مجموع چنین گزاره‌ها و گزاره‌های مشابه دیگر، می‌توان گفت که اعضای خانواده باید با خوشرویی و لبخند با همدیگر تعامل نموده و سعی نمایند که با گرفتگی حالت و ترش رویی، فضای عاطفی خانواده را مخدوش و مکدر نسازند.

۲. خوش‌زبانی

ارتباط‌کلامی یکی از شیوه‌های اساسی تعامل عاطفی بین انسان‌ها و از آن جمله در میان اعضای خانواده است. نمادهای کلامی نه تنها حامل پیام‌های معنایی است که انتقال دهنده احساسات و عواطف افراد نیز می‌باشد. در قالب ارتباط‌کلامی، فراتر از محتوای اصلی جملات، سبک ادا کردن کلمات، چگونگی گوش دادن به جملات و درک موقعیت برای بیان نوع جملات، نیز از اهمیت اساسی برخوردار است. ارتباط‌کلامی در برگرنده پدیده‌های «خوب سخن گفتن»، «سخن خوب گفتن» و «خوب شنیدن» می‌شود. (محمودیان و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۱۰۹) که از مجموع این‌ها می‌توان به‌عنوان هنر «خوب گفتگو کردن» تعبیر نمود. هنری که انسان‌ها را قادر می‌سازد تا حرمت خویش را حفظ نموده و محبت دیگران را شکار نمایند. امام علی (ع) فرمود: خوش‌گفتاری با زنان موجب خوش رفتاری آن‌ها می‌گردد. (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۵۵۴) از گفتن سخن زشت بپرهیزید که دل را پر از خشم می‌سازد. (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۱۴) زبانتان را به سخن ملایم عادت دهید (همان، ص ۲۱۰) تا دوستانتان زیاد و دشمنانتان کم شوند. (همان، ص ۴۳۵) عادت دادن زبان به ملایم سخن گفتن، اشاره به اصل اخلاقی «مراقبت از زبان» داشته و گویایی لزوم رعایت اخلاق در گفتار می‌باشد. انسان‌ها هرچند پیچیدگی‌های نظام زبانی را در فرایند جامعه‌پذیری یاد می‌گیرند اما رعایت این قواعد نیاز به تذکر، یادآوری و مهم‌تر از همه تبیین آثار و پیامدهای عاطفی نوع ارتباط‌های کلامی دارد. به همین دلیل، اسلام توجه جدی به رعایت اخلاق گفتاری و آداب کلامی در میان اعضای خانواده نموده و نکته‌های ظریف و اساسی را در این ارتباط بیان می‌نماید. نکته‌های ظریفی که هر کدام از آن‌ها را می‌توان به‌عنوان شاخصی از شاخص‌های روابط عاطفی کلامی در نظر گرفت و در چوکات آن‌ها خشونت‌ها، بی‌اعتنایی‌ها و بی‌تفاوتی‌های مخرب در خانواده‌های امروز را تا حدودی مهار کرد و آسیب دیدگی‌های عاطفی را متناسب با الزامات حیات خانوادگی، تصحیح و ترمیم نمود.

یک) سلام کردن

سلام کردن فرایند گفتگو را بر مبنای محبت و احترام شکل می‌دهد. جملات حامل پیام‌های عاطفی گردیده و موجب دلبستگی می‌گردد. سلام نمودن خطاب محبت آمیز است که افراد به اقتضای فطرت انسانی و

دستورات دینی، (نساء، ۶). ملزم به جواب دادن سلام، با سلام می‌باشند. طبیعی است که هرگاه خطاب به شکل دوستانه شروع شود معمولاً با محبت و دوستی ادامه یافته و با دوستی ختم می‌گردد. در پرتو چنین تعامل گفتاری است که عطوفت و مهربانی به وجود می‌آید، کینه‌ها و کدورت‌ها از بین رفته و اخم‌ها باز می‌شود. (مصطفوی، ۱۳۸۸، ص ۳۲) آرامش خانوادگی تقویت گردیده و بنیادهای اخلاقی خانواده استحکام می‌یابد.

در نگرش اسلامی خانه و خانواده دارای حرمت می‌باشد. وقتی انسان وارد منزل خود می‌شود باید خداوند را یاد نموده و بر خانواده خویش سلام نماید. (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۳، ص ۱۲) برای این که با مسائل دلگیر کننده مواجه نگردد باید خانواده را به گونه‌ای از آمدن خود آگاه نماید. (همان، ج ۷۳، ص ۱۲-۱۳) فراتر از همه این که اگر کسی در منزل نبود برخورد سلام کند. (همان، ج ۷۳، ص ۳) چون سلام کردن موجب افزایش حسنات و برکات می‌گردد. (همان، ج ۷۳، ص ۳) امام باقر (ع) در تفسیر آیه ۶۱ سوره مبارکه نور می‌فرماید: منظور از سلام کردن برخورد این است که وقتی کسی وارد منزل خویش گردیده و سلام نماید پاسخ آن سلام به خود او برگردانده می‌شود. (صدوق، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۶۵) سلام بر خود یعنی برکات ناشی از سلام کردن، به خود انسان بر می‌گردد. سلام کردن همان‌گونه که ملائک را با انسان مأنوس می‌سازد (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۳، ص ۷) یکی از برکاتش، ایجاد انس و الفت در میان اعضای خانواده می‌باشد. در دنیای معاصر که فاصله‌های عاطفی، اعضای خانواده‌ها را از همدیگر دور ساخته است، احیای سنت سلام در محیط منزل، می‌تواند بخشی از شکاف‌ها و دل‌سردی‌های خانوادگی را ترمیم نموده و فضای سرد و سنگین خانه‌ها را تلطیف و عاطفی نماید.

(دو) اظهار عشق و علاقه

مردها به لحاظ روانی دارای غرور بوده و به مسائل ریز زندگی کمتر توجه می‌نمایند. زحمات خود را نشانه دلبستگی خود به خانواده‌اش دانسته و معمولاً علاقه‌مندی خود به همسرش را ابراز نمی‌نمایند؛ اما زنان به ظرافت‌های زندگی توجه بیشتر نموده و خواهان اظهار و ابراز این علاقه‌مندی می‌باشند. در منابع دینی نیز به همین واقعیت اشاره گردیده و به‌طور عام نیز سفارش شده است که وقتی انسان کسی را دوست دارد باید دوستی خویش را ابراز نماید. (مجلسی، بی‌تا ج ۷۱، ص ۱۸۱) چون ابراز دوستی موجب استواری محبت می‌گردد. (صابری یزدی، ۱۳۷۵، ص ۳۹۸-۹۹) رسول اکرم (ص) می‌فرماید: گفتن مرد به همسرش که تو را دوست دارم هرگز از قلب زن خارج نمی‌شود. (همان، ص ۴۳۳). امام صادق (ع) فرمود: زن‌ها باید عشق و علاقه خود به همسرش را با دلربایی اظهار نماید. (حرانی، تحف ۱۴۰۴، ص ۳۲۳) ابراز علاقه و محبت، به معنای اظهار رضایت فرد از تعلق خاطرش به طرف مقابل می‌باشد. واکنش مثبت عاطفی به این ابراز تمایل، دلبستگی آن‌ها را مستحکم‌تر ساخته، نیاز به توجه، احترام و محبت را در آن‌ها اشباع می‌نماید. براین اساس لازم است که اعضای خانواده، علاقه‌مندی خود به همدیگر را اظهار نمایند و توجه داشته باشند که در قالب چنین اظهارات و ابراز تمایلات عاطفی است که فضای خانواده لبریز از محبت و دوستی می‌شود.

سه) اظهار همدلی

نگرانی و اندوه از شکننده‌ترین هیجانات عاطفی منفی است که بی توجهی به آن، باعث آسیب دیدگی تعادل عاطفی انسان و به تبع آن، گسست عاطفی فرد با افراد دیگر می‌شود. به این صورت که انسان غصه‌دار و نگران، به شدت احساس نیاز به همدلی داشته و بیش از هر زمان دیگر متوقع و پذیرای عواطف مثبت یعنی هم‌کلامی و دلداری دادن از سوی نزدیکان خویش می‌باشد. هرگاه انتظاراتش به خوبی تأمین نگردد غمگینی‌اش افزایش یافته و نسبت به دیگران، دچار تنفر و آزرده‌گی خاطر می‌گردد. به همین دلیل؛ در اسلام، همدلی و اظهار همدردی اعضای خانواده با همدیگر، تقدیس می‌گردد. رسول اکرم (ص) به زنی که با همسرش همدلی و همدردی داشته باشد، نه تنها بشارت بهشت می‌دهد که او را در هر روز، برخوردار از پاداش هفتاد شهید می‌داند. (رضی الدین، ۱۳۶۵، ص ۲۰۰؛ همان، ج ۱، ص ۳۸۱) همدردی بیانگر حس یگانگی است، در پرتو احساس یگانگی؛ نظام عاطفی اعضای خانواده در چوکات عواطف مثبت تنظیم گردیده و موجب رضایت آن‌ها از زندگی خانوادگی می‌شود. از شاخص‌های مناسبات عاطفی در خانواده‌های اسلامی این است که اعضای خانواده، خود را در گفتار و عمل شریک شادی‌ها و رنج‌های همدیگر دانسته، برای تسکین رنج‌ها و تأمین نیازهای یکدیگر تلاش می‌کنند. در چنین فضا است که دلبستگی و اعتماد اعضای خانواده به همدیگر تشدید گردیده و نه تنها در دام محبت‌های دروغین دوستان ناباب و تب‌هکاران اجتماعی، گرفتار نمی‌شوند که خود تبدیل به انسان نجات دهنده دیگران از تباهی می‌گردد.

چهار) هم‌کلامی

هم‌کلامی یعنی گوش دادن به سخنان همدیگر و در میان جمع، با جمع گفتگو کردن. هم‌کلامی ناظر به هنر «خوب گفتگو کردن» یعنی خوب حرف زدن و خوب گوش دادن می‌باشد. پنهان‌گویی و در میان کلام همدیگر پریدن، از مصادیق بارز بی‌احترامی است که مناسبات عاطفی افراد را مختل می‌سازد. از منظر آموزه‌های دینی؛ کسی که کلام برادر مسلمانش را قطع نماید مانند این است که به‌صورتش چنگ انداخته باشد. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۶۰) در میان جمع، نباید دو تن درگوشی با هم سخن بگویند. (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۱۹۹) زیرا که چنین عملی باعث اذیت و غمگینی دیگری و دیگران می‌شود. (کلینی، همان) رعایت نکات یادشده هرچند برای همگان لازم می‌باشد اما ضرورت آن در محیط عاطفی خانواده دوچندان گردیده، برای زن و شوهر، حکم حیاتی را دارد. خانواده‌ای که اعضای آن در میان کلام همدیگر پریده و سخنان همدیگر را قطع می‌نمایند در واقع خانواده حرمت شکسته است که اعضای آن مدام در معرض بی‌حرمتی در درون خانواده قرار دارند. پنهان‌کاری و گفتگوهای درگوشی نشاندهنده احساس بیگانگی و بی‌اعتمادی در میان اعضای خانواده است. احساس به یگانگی در درون خانواده یعنی انهدام پیوند عاطفی در خانواده؛ بنابراین؛ برای تحکیم مناسبات عاطفی در خانواده، ضروریست که آداب خوب گفتگو کردن یعنی خوب گوش دادن و خوب حرف زدن نیز به خوبی رعایت گردد.

پنج) منت گذاشتن

منت دادن و قدردانی نکردن، از صفات ضداخلاقی است که روابط خانوادگی را مکدر ساخته و باعث بدخلقی‌ها و تنش‌های جدی در خانواده می‌گردد. منت دادن در جای مطرح می‌باشد که انسان خدمتی فراتر از وظیفه خویش انجام دهد. از آنجایی که تأمین نیازمندی‌های خانواده به عهده مرد می‌باشد و خدماتی که انجام می‌دهد وظیفه‌اش تلقی می‌گردد، منت دادن مرد کمتر موضوعیت پیدا نموده و بیشتر مسئله قدردانی کردن از مردها مطرح می‌باشد. به همین دلیل است که در منابع دینی، بیشتر به زن‌ها توصیه می‌گردد که از شوهران خویش قدردانی نموده و از منت دادن پرهیز نمایند. منت دادن به قدری گناه سنگین و تباه کننده است که اگر زنی همه سیم و زر زمین را به خانه شوهرش بیاورد اما روزی او را منت دهد، اعمال خیرش نابود می‌گردد. (رضی الدین، ۱۳۷۰، ص ۲۰۲) هرگاه زنی از روی منت گذاشتن به شوهرش بگوید: تو از مال من می‌خوری، اگر تمام اموالش را در راه خدا صدقه دهد از او پذیرفته نشود مگر این که شوهرش از او راضی گردد. (رضی الدین، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۸۵) فراتر از منت گذاشتن؛ زن موظف به قدردانی کردن از شوهر خویش می‌باشد. بر این اساس هر زنی که به شوهرش بگوید: هرگز از روی تو خیر ندیدم، همه اعمال نیکش تباه خواهد شد. (همان، ۱۳۷۰، ص ۲۱۵؛ صدوق، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۸۸) زیرا منت گذاشتن زن بر مرد، غرور مرد را شکسته و موجب تحقیر او می‌گردد. ناسپاسی باعث آزرده‌گی خاطر گردیده و دل‌ها را از همدیگر دور می‌نماید. در چنین فضای آلوده عاطفی است که مناسبات اخلاقی در چارچوب خانواده نیز آسیب دیده و در واقع موجودیت نظام خانواده با خطر مواجه می‌گردد. لازم به یادآوری است که مردها نیز نه تنها در قبال انجام دادن وظایف خویش اجازه منت گذاشتن را ندارند که اساساً مکلفند به‌طور شایسته قدردان همسران خویش باشند.

شش) پرهیز از بدزبانی

بدزبانی از بارزترین مصادیق توهین بوده، عواطف منفی شخص توهین شده را علیه فرد توهین کننده تحریک می‌نماید. با تحریک عواطف منفی است که روابط آدم‌ها آلوده به نفرت می‌گردد. با تأسف باید گفت که دشنام دادن یکی از بداخلاقی‌های نسبتاً رایج در خانواده‌های قبیله‌ای افغانستان بود و افراد توهین شده به دلیل الزامات خانواده استبدادی دشنام‌ها را تحمل می‌کردند اما امروزه که روحیه استقلال طلبی و سرکشی در میان زنان و فرزندان پدید آمده است، بدزبانی‌ها از یک طرف شدت یافته و از سوی دیگر غیر قابل تحمل گردیده است و در چنین شرایط است که فضای خانواده آلوده به نفرت‌ها، قهرها و درگیری‌های بی‌مهار می‌گردد. اسلام برای جلوگیری کردن از نفوذ نفرت در کانون عاطفی خانواده، اعضای خانواده را نه تنها از بدزبانی نمودن که از کمترین بی‌احترامی به همدیگر نیز منع می‌نماید. از منظر قرآن کریم فرزندان حق ندارند که در برابر والدینشان «اف» (اسرا، ۲۴) و کمتر از «اف» بگویند. (جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۵۸) رسول اکرم (ص) فرمود: برادر من جبریل مرا آن چنان در باره زنان سفارش نمود که گمان نمودم شوهر، حق ندارد حتی به زن «اف» بگوید. (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۵۳). از صفات بدترین مردان فحاشی است. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۹۳-۲۹۴)

۲۹۲) زنی که شوهرش را با زبان اذیت کند تا زمانی که همسرش را راضی نسازد، هیچ حسنه‌ای از او قابل پذیرش نیست. (رضی الدین، ۱۳۷۰، ص ۲۱۴) براین اساس؛ از الزامات جدی در خانواده مطلوب اسلامی این است که اعضای خانواده از هرگونه آزار و اذیت زبانی نسبت به همدیگر اجتناب نمایند.

۲-۳. خوش رفتاری

خشونت‌های رفتاری در متن مناسبات جوامع مردسالار قبیله حضور دارد. در چوکات منطق مردسالاری، زنان و فرزندان بیش‌ترین خشونت‌ها را تحمل می‌نمایند. در شرایط جدید فرهنگی افغانستان، مردها انتظار انقیاد سابق را از اعضای خانواده دارند، اما زنان و فرزندان از خاستگاه فردگرایی مدرن، رفتارهای مستقلانه داشته و نه تنها تن به مردسالاری نمی‌دهند که حتی کمتر به مطالبات منطقی همدیگر توجه می‌نمایند. از چنین خاستگاه است که بیشترین فشارهای روانی را والدین تجربه می‌کنند و بدترین آسیب‌ها متوجه فرزندان می‌گردد. اسلام به‌منظور تنظیم نظام رفتاری نیز که عینی‌ترین حوزه زندگی است، قواعد و هنجارهای را برای تقویت همبستگی عاطفی در خانواده‌ها تعریف نموده، بدرفتاری اعضای خانواده با همدیگر را پدیده ضد اخلاقی و متعارض با منطق حیات خانوادگی می‌داند. در شریعت اسلامی؛ از یک سوی زنان شوهر آزار ملعون تلقی می‌گردد. (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۴۸) از سوی دیگر فرزندان و زنان امانت الهی دانسته شده (همان، ص ۲۵۱) و مردها وظیفه دارند که همسران خویش را تکریم نموده (همان، ص ۲۵۰) و به‌طور شایسته با آن‌ها رفتار نمایند. (نساء، ۱۹) رفتارهای شایسته هرچند در فرهنگ‌های مختلف ممکن است دارای مصادیق متفاوت باشد، اما می‌توان بر اساس آموزه‌های اسلام، الگوهای رفتاری ذیل را به‌عنوان رفتارهای عاطفی مطلوب در خانواده‌های اسلامی، مورد توجه قرارداد.

۱. هدیه دادن

هدیه دادن از برجسته‌ترین نشانه‌های ابراز محبت است. هدیه در مناسبات انسانی فراتر از یک شی با ارزش مادی تلقی می‌گردد. هدیه دارای روح و معنا می‌باشد. هدیه حامل احساسات و عواطف مثبت هدیه دهنده به هدیه گرنده است. لذاست که هیچ گاه پول و حتی چندین برابر قیمت یک هدیه، نمی‌تواند که نقش اصل هدیه را بازی نماید. ممکن است که ارزش مادی هدیه، دلیلی بر ارزش معنوی هدیه تلقی گردد اما این تلقی را نباید صرفاً از حیث مالی و اقتصادی فهم نمود. معیار اصلی در ارزشمندی هدیه، هزینه‌های مادی و غیر مادی است که برای تهیه آن صرف شده است. نکته مهم این است که هدیه دهنده باچه انگیزه و باچه میزانی از علاقه‌مندی هدیه را تهیه کرده باشد. هدیه گیرنده قبل از این‌که به قیمت هدیه توجه نماید، توجه به بار معنایی آن می‌نماید. بر این اساس ارزشمندی هدیه، یک امر کاملاً نیسبی است؛ یعنی در برخی از شرایط ممکن است که هدیه کردن یکشی گران بها توهین تلقی گردد اما دادن شاخه‌ای گل نشاندهنده دلدادگی بوده و تبدیل به ماندگارترین یادگار عاطفی در میان دو فرد شود.

در نظام کنشی هدیه، آن چه که از اهمیت بنیادین برخوردار است، مبادلات عاطفی می‌باشد. بر همین مبناست که در آموزه‌های اسلامی تأکید می‌گردد؛ از سفر برای خانواده‌تان هدیه بیاورید ولو یک قطعه سنگ باشد. (حرانی، ۱۴۰۴ ص ۱۹۸) هدیه دادن به اعضای خانواده پاداش کمک به مستمندان را داشته و در گرفتن هدیه دختران مقدم بر پسران می‌باشند. (صدوق، ۱۴۰۰، ص ۵۷۷؛ فلسفی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۲۷) زیرا دختران عاطفی‌تر بوده و چنین تقدیمی مقتضای رعایت عدالت عاطفی است. اعضای خانواده در قبال هدیه که دریافت می‌کنند، باید تشکر و قدردانی نمایند. امام صادق (ع) فرمود: بهترین زنان شما زنی است که اگر چیزی به او داده شود سپاسگزاری کند و اگر چیزی به او داده نشود راضی باشد. (صابری یزدی، ۱۳۷۵، ص ۴۳۷) چون همان گونه که هدیه دادن عمل اخلاقی بوده و موجب همبستگی عاطفی می‌گردد، قبول نمودن هدیه و تشکر کردن از هدیه دهنده، نیز دارای چنین نقشی می‌باشد.

۲. هم‌نشینی

هم‌نشینی در دنیای دیجتالی امروز که کوچک و بزرگ را غرق در جهان مجازی و توهّمات از مجازها نموده است، دارای اهمیت محوری می‌باشد. در کنار هم نشستن و باهمدیگر غذا خوردن که به تبع آن، گفتگوهای دوستانه نیز شکل می‌گیرد، نقش جدی در حفظ و تقویت همبستگی عاطفی اعضای خانواده دارد. وقتی اعضای خانواده گردهم می‌آیند، احساس یگانگی نموده و فرصت می‌یابند که بیشتر به همدیگر توجه نمایند، از مشکلات یکدیگر آگاه گردیده و عواطف مثبت خویش را بروز دهند. با طرح مشکلات و موفقیت‌های اعضای خانواده است که تشویق‌ها و راهنمای‌های دلسوزانه ابراز گردیده و فضای عاطفی خانواده، عاطفی‌تر می‌شود. لذاست که در اسلام نشستن زن و شوهر در کنار همدیگر عبادت تلقی می‌گردد. (ابی فراس، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۲۲) غذا خوردن دسته جمعی اعضای خانواده، موجب برکت دانسته شده (رضی الدین، ۱۳۷۰، ص ۱۴۹) و مردانی که تنها غذا می‌خورند بدترین مردان معرفی می‌گردد. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۹۳-۲۹۲) بنا براین؛ در الگویی خانواده اسلامی، زن و شوهر برای باهم بودن و در کنارهم نشستن وقت گذاشته و اعضای خانواده دسته جمعی و بر سر یک سفره غذا می‌خورند.

۳. استقبال و بدرقه

استقبال و بدرقه، از برجسته‌ترین رفتارهای نمادین است که علاقه‌مندی انسان‌ها را بازتاب می‌دهد. مبادرت و مداومت به آن، همبستگی عاطفی در میان اعضای خانواده را دو چندان می‌نماید. بر مبنای آموزه‌های اسلامی؛ از جمله صفات نیک رفتاری که زن را بهشتی ساخته و از پاداش شهدا برخوردار می‌سازد، استقبال و بدرقه نمودن همسرش می‌باشد. (همان، ص ۲۰۰) چه این که؛ به استقبال رفتن و بدرقه کردن، نشانه شادی، دلتنگی و احترام گذاشتن می‌باشد. از آنجایی که در فرهنگ دینی، زن مدیریت داخلی منزل را به عهده دارد و مرد موظف به انجام دادن وظایف بیرونی می‌باشد، در منابع دینی به استقبال رفتن و بدرقه کردن از مرد تأکید شده است و این مسئله را نباید حق انحصاری مرد تلقی نمود بلکه اسلام می‌خواهد، در میان اعضای خانواده

روابط محبت آمیز عاطفی حاکم باشد. بر این اساس؛ اعضای خانواده، باید همدیگر را بدرقه نموده و استقبال نمایند. هرگاه یکی از آن‌ها راهی مسافرت گردد، نباید دیگران بی تفاوت باشند، چون بی تفاوتی به معنای بی اعتنایی بوده و به وابستگی عاطفی خانواده آسیب می‌رساند. در این میان، زنان نباید فراموش نمایند که با بدرقه آن‌ها، مردها برای زحمت کشیدن هرچه بیشتر انرژی می‌گیرند و آنگاه که در برگشت به منزل، با استقبال و مهربانی‌شان مواجه می‌شوند، تمام خستگی‌های آن‌ها مرتفع می‌گردد، در چنین شرایط است که نه تنها با ورود مردان خسته از کار، خستگی وارد خانه‌ها نمی‌گردد که کانون خانوادگی لبریز از محبت می‌شود.

۴. آراستگی

جذابیت و آرایش ظاهری، از عناصر مهمی است که عواطف مثبت زن و شوهر را معطوف به همدیگر می‌نماید. گرایش به سوی زیبایی و زیبا پسندی از غریزه‌های برجسته انسانی است. تمایل عاطفی انسان به همسرش، با جذابیت ظاهری او افزایش می‌یابد. آرایش ظاهری هرچند برای زن و مرد مهم می‌باشد اما به لحاظ روانی، زن گرایش بیشتری به «خودآراستگی» داشته و مرد قبل از این که به خودآرایی توجه داشته باشد به سوی زن آراسته و جذاب کشیده می‌شود. با توجه به این واقعیت روانشناختی است که در منطق اسلام، جهاد زن، خوب شوهرداری کردن دانسته می‌شود. (صابری یزدی، ۱۳۷۵، ص ۴۳۸) زن مکلف است، خود را برای شوهرش خوشبو ساخته (همان، ص ۴۳۸) و در هیچ شرایطی وضع نفرت‌انگیز نگیرد. (حرانی، ۱۳۸۲، ص ۵۱۷) آرایش زن برای شوهرش نه تنها لازم است که این حق انحصاری برای او بوده و از خودآرایی زن برای دیگران به شدت منع می‌گردد. (رضی الدین، ۱۳۷۰، ص ۴۳) مردانی که از حق انحصاری خویش مواظبت نتوانند، مستحق عذاب گردیده (صابری یزدی، ۱۳۷۵، ص ۴۳۸) و پذیرش عبادت زنان، مبتنی به رعایت همین حق می‌باشد. (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۴۴۰) زیرا آرایش زنان برای مردان بیگانه، امنیت عاطفی خانواده‌ها را به مخاطره انداخته، بی‌عفتی و انحطاط اخلاقی را در سطح جامعه گسترش می‌دهد. اسلام برای این که جذابیت جنسی کاملاً محصور در چارچوب زناشویی گردد، نسبت به نظافت و آراستگی مردها نیز تاکید داشته (راوندی، بی‌تا، ص ۵۵) و این مسئله را موجب جلب توجه همسر (حرانی، ۱۳۸۲، ص ۵۱۷) و پاک دامنی زنان می‌داند. (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۲۰) براین اساس؛ زن و شوهر باید پاکیزه و آراسته می‌باشند. زن از آرایش کردن خود برای دیگران اجتناب نموده و خود را صرفاً برای همسرش آرایش نماید. جذابیت زن برای شوهرش، عواطف مرد را معطوف به خانه و خانواده‌اش ساخته و بنیادهای دلبستگی خانوادگی را تقویت می‌نماید.

۵. تمکین و ملاعبت

تمکین و تأمین نیازهای جنسی نیز از عوامل تأثیر گذار در بعد روابط عاطفی زن و شوهر می‌باشد. اسلام؛ از جذابیت زن در الگویی زناشویی، تعبیر به گل نموده (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۱۳) و شوخی با همسر را مستحب می‌داند. (راوندی، بی‌تا، ص ۴۲) بر بنیاد اهمیت مناسبات جنسی زن و شوهر است که سرکشی زن

در هنگام خلوت با همسرش، از صفات بدترین زنان دانسته شده (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۹۱؛ رضی الدین، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۸۶) و زنی که نیاز جنسی همسرش را اجابت نکند ملعون می‌گردد. (صدوق، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۹۲) فراتر از همه این که زنان نباید به خاطر جلوگیری از استمتاع شوهران خویش، نماز خود را طولانی کنند. (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰ ص ۱۶۵) از سوی دیگر مردان نیز وظیفه دارند که نیاز جنسی همسر خود را تأمین نمایند. (همان، ص ۱۱۸) تبیین و تحلیل اخلاق جنسی در نگرش اسلامی به خوبی گویایی این واقعیت است که در چارچوب خانواده اسلامی، نیازهای جنسی زن و شوهر به خوبی تأمین گردیده و به بهترین شکل ممکن، باعث رضایت عاطفی‌شان می‌شود.

۶. مدارا

اسلام در حوزه مناسبات اخلاقی زن و شوهر، بر سه مفهوم صبر، عفو و آشتی پذیری، تأکید می‌نماید. رعایت هر کدام از این امور ارتباط نزدیک با نظام عاطفی انسان دارد. از آنجایی که زن و مرد دارای ساختار نظام عاطفی نسبتاً متفاوت می‌باشند، اسلام و ظایف زن و شوهر را در قبال این مفاهیم، به شکل نسبتاً متفاوت تعریف می‌نماید. یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های عاطفی زن و مرد، غرور مردانه و اتکای زنانه است. مرد با توجه به قدرت و مسئولیتی که به لحاظ طبیعی و یا فرهنگی در خانواده دارد. خود را تکیه‌گاه خانواده خویش دانسته و انتظار دارد که غرورش حفظ گردد؛ اما زن خود را متکی به شوهر دیده و در واقع خریدار غیرت مردانه همسرش می‌باشد. براین اساس؛ در چارچوب خانواده باید غیرت مردانه حفظ گردد (رضی الدین، ۱۳۷۰، ص ۲۱۵) و زن مورد محبت، تکریم و حمایت باشد. زن و مرد باید بر بدخلقی‌های همدیگر صبر کنند (همان، صص ۲۱۳-۲۱۴). اما مرد باید با گذشت‌تر باشد (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۱۶) و زن آشتی پذیرتر. (رضی الدین، ۱۳۷۰، ص ۲۰۰) گذشت و مدارا از چنان اهمیتی برخوردار می‌باشد که هر کس یک کلمه ناگوار زنش را تحمل کند، از جهنم نجات یافته و بهشت بر او واجب می‌شود. (صدوق، ۱۴۰۴، ص ۲۱۶) بر بنیاد چنین هنجارهای اخلاقی است که فضای خانواده اسلامی انباشته و لبریز از عواطف ناب می‌گردد، عطوفت، مهربانی و دلبستگی در میان اعضای خانواده توسعه یافته و خانه تبدیل به مسکن و مأوای بهشتی می‌شود.

نتیجه‌گیری

تحولات فرهنگی در افغانستان مناسبات خانوادگی را نیز متحول نموده و روابط عاطفی را مختل ساخته است. نیاز عاطفی از نیازهای اساسی انسان است، آدم‌ها عمدتاً بر مبنای الزامات عاطفی خویش عمل می‌کنند. خانواده از منظر اسلام، اصلی‌ترین نهاد و کانون عاطفی است که با تأمین نیازهای عاطفی افراد، به پرورش شخصیت معتدل اعضای خویش کمک می‌نماید. در این پژوهش سعی گردید با استفاده از منابع دینی؛ ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های مناسبات عاطفی در خانواده مطلوب اسلامی تبیین گردیده و در پرتو آن، چگونگی ترمیم و ارتقای روابط عاطفی در خانواده‌های افغانستانی نشان داده شود. نیاز عاطفی دارای ابعاد سه‌گانه

پیوند قلبی، خوش‌گفتاری و خوش‌رفتاری است. شاخصه‌های این ابعاد که از مستندات دینی یعنی آیات و روایات استخراج گردیده است در قالب گزاره‌ها و مفاهیم ذیل قابل دسته‌بندی می‌باشد:

پیوند قلبی ناظر به این واقعیت انسان‌شناختی دینی است که دلبستگی و نفس‌تمایل قلبی حامل پیام عاطفی می‌باشد؛ یعنی انسان‌ها با مراجعه به قلب خویش می‌توانند به خوبی از محبت و عدم محبت دیگران نسبت به خود کسب اطلاع نمایند. به این صورت که اگر کسی نسبت به دیگری دلبستگی عاطفی داشته باشد باید باور کند که طرف مقابل نیز چنین دلبستگی نسبت به او دارد و از این طریق است که به صداقت عاطفی همدیگر دست یافته و «ارتباط عاطفی ناب» در میان آن‌ها شکل می‌گیرد. صداقت عاطفی سنگ‌بنای زندگی خانوادگی می‌باشد. خانواده کانون عاطفی است که صرفاً بر بنیاد تعاملات عاطفی صادقانه، استوار می‌ماند. از شاخص‌های ارتباط عاطفی اعضای خانواده اسلامی این است که صادقانه همدیگر را دوست دارند. از دیدن یکدیگر شاد گردیده و از دوری همدیگر دلتنگ می‌شوند، فضای خانواده انباشته و لبریز از اعتماد متقابل بوده و خالی از نفرت، کدورت و دلخوری می‌باشد.

خوش‌گفتاری شامل خوش‌زبانی و خوش‌رویی می‌گردد، سلام کردن، ابراز محبت، همدلی، همدردی، هم‌کلامی و گفتگو، اجتناب از بدزبانی، گوش دادن به سخنان همدیگر، قدردانی نمودن، منت نگذاشتن، رعایت عدالت عاطفی، تبسم، بشاش بودن، نگاه‌های محبت‌آمیز و اجتناب از ترش‌رویی، از علایم و نشانه‌های خوش‌گفتاری می‌باشد. در حوزه رفتار و عمل اجتماعی نیز اسلام دستورات جدی برای حفظ همبستگی عاطفی اعضای خانواده دارد که اساسی‌ترین آن‌ها عبارت است از: هدیه دادن و رعایت عدالت عاطفی، هم‌نشینی و غذا خوردن دسته‌جمعی، خلوت کردن زن و شوهر با همدیگر، استقبال و بدرقه کردن، آراستگی و پاکیزگی، انحصار آرایش زن برای همسر، ملاعبت و تأمین نیازجنسی، صبوری، گذشت، عذرخواهی و... در پرتو رعایت مجموعه این هنجارها است که نیازهای عاطفی افراد به بهترین شکل ممکن تأمین گردیده و خانواده تبدیل به مرکز و کانون عاطفه برای اعضای خویش می‌گردد.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن شعبه حرانی، حسن، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن، تحف العقول، ترجمه احمد جنتی، تهران، ۱۳۸۲.
۳. ابن فهد حلی، جمال‌الدین، عدۀ الداعی و نجاح الساعی، قم، دار الکتب اسلامی، ۱۴۰۷.
۴. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار الصادر، چاپ: سوم، ۱۴۱۴.
۵. آذر بایجانی، مسعود و دیگران، روان شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، تهران، سمت، ۱۳۸۲.
۶. بارون، رابرت و دیگران، روان شناسی اجتماعی، ترجمه یوسف کریمی، تهران، نشر روان، ۱۳۸۸.
۷. بستان (نجفی)، حسین، اسلام و تفاوت‌های جنسیتی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دفتر امور بانوان وزارت کشور، ۱۳۸۸.
۸. پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحه مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص)، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲.
۹. آمدی، عبد الواحد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶.
۱۰. خسروی حسینی، سید غلامرضا، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، تهران، مرتضوی، دوم، ۱۳۷۵.
۱۱. خوانساری، جمال الدین، شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
۱۲. دشتی، محمد، نهج الحیاء «فرهنگ سخنان حضرت فاطمه (س)»، چاپ چهاردهم، منبع الکترونیکی: <http://dft-ac.ir>
۱۳. دهخدا، لغت نامه دهخدا، تهران، چاپ خانه مجلس، ۱۳۲۵.
۱۴. راوندی، سید فضل الله، النوادر للراوندی، قم، دار الکتب، بی تا.
۱۵. رضی الدین، حسن، مکارم الأخلاق، ترجمه میر باقری، تهران، فراهانی، ۱۳۶۵.
۱۶. رضی الدین، حسن، مکارم الأخلاق، قم، رضی، ۱۳۷۰.
۱۷. شرفی، محمدرضا، خانواده معتدل (آناطومی خانواده)، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۸.
۱۸. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹.
۱۹. صابری یزدی، علی رضا، الحکم الزاهره، ترجمه انصاری، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
۲۰. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران، صدوق، ۱۳۶۷.
۲۱. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴.
۲۲. صدوق، محمد، أمالی الصدوق، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۰.
۲۳. صدوق، معانی الأخبار، ترجمه عبد العلی محمدی شاهرودی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷.

۲۴. صدیق اورعی، غلام رضا، بررسی ساختارنظام اجتماعی در اسلام، تهران، اداره کل پژوهش‌های سیما، ۱۳۸۲.
۲۵. طباطبای، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمد باقرموسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، مشکاة الانوار، ترجمه، عزیز الله عطاردی، تهران، عطارد ۱۳۷۴.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، مشکاة الانوار، ترجمه، مهدی هوشمند و عبدالله محمدی، قم، دارالثقلین، ۱۳۷۹.
۲۸. علامه مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، تهران، اسلامی، بی‌تا.
۲۹. عمید، حسن، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴.
۳۰. فلسفی، محمد تقی، الحدیث، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸.
۳۱. کری، جان، چگونه به همسر خود عشق بورزیم، ترجمه مینا امیری، تهران، گلپا، ۱۳۸۹.
۳۲. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران، اسلامی، ۱۳۶۲.
۳۳. مارشال ریو، جان، انگزش و هیجان، ترجمه، یحی سید محمدی، تهران، ویرایش، ۱۳۸۵.
۳۴. محدث نوری، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸.
۳۵. محمودیان، حسین و دیگران، دانش خانواده، تهران، سمت، ۱۳۸۸.
۳۶. مستغفری، ابو العباس، طب النبی (صلی الله علیه و آله و سلم)، قم، انتشارات رضی، ۱۳۶۲.
۳۷. مسعودی، عبد الهادی، الدرۃ الباهرۃ من الأصداف الطاهرۃ، قم، زائر، ۱۳۷۹.
۳۸. مصطفوی، سید جواد، بهشت خانواده، تهران، مولانا، ۱۳۸۸.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۶۶-۱۳۵۳.
۴۰. نجفی خمینی، محمد جواد، تفسیر آسان، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۹۸.
۴۱. نجمی، رابرت الیاس، روان شناسی شادی، ترجمه رؤیا منجم، تهران، علم، ۱۳۸۲.
- ورام ابن ابی فراس، مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، قم، مکتبه فقیه، بی‌تا.